

چرا خدمات ارزشمند دولت سیزدهم نادیده گرفته می شود؟

## گمشدگی واقعیت‌ها در جنگ روایت‌ها

یکی از مشکلاتی که در حال حاضر وجود دارد و باعث شده تا آرامش فضای جامعه برهم بریزد، کثرت رسانه‌های عمدتاً غیررسمی و غیرمرجع است که در داخل کشور عمدتاً از سوی مخالفان جمهوری اسلامی و در خارج از کشور توسط جریان‌های رسانه‌ای معاند نمایندگی می‌شود. کثرت رسانه‌هایی که اغلیشان کار رسانه را به‌طور حرفه‌ای انجام نمی‌دهند و بیشتر از اینکه به دنبال واقعیت باشند، به دنبال جذب دنبال‌کننده هستند، سبب شده تا نوعی بحران اطلاع‌رسانی و شفافیت در اخبار به‌وجود آید، بحرانی که عمدتاً رسانه‌های رسمی را نیز با مشکل مواجه می‌سازد؛ زیرا به جای آن که به‌دنبال روایت آفرینی درست و انعکاس واقعیت‌ها باشند، باید به روندهای رسانه‌ای جریان‌های معاند و مخالف پرداخته و مدام به آنها پاسخ بدهند. تعداد بالای رسانه‌های جمعی غیررسمی و رسانه‌هایی که خبررسانی می‌کنند، باعث شده تا اولاً نظارت بر آنها چندان موضوعیتی نداشته باشد و ثانیاً شائبه‌هایی که در آذهای عمومی ایجاد می‌کنند، چندان در رصد رسانه‌های رسمی قرار نگیرد. قبل از گسترش رسانه و ابزارهای رسانه‌ای و پیام‌رسان‌های اجتماعی

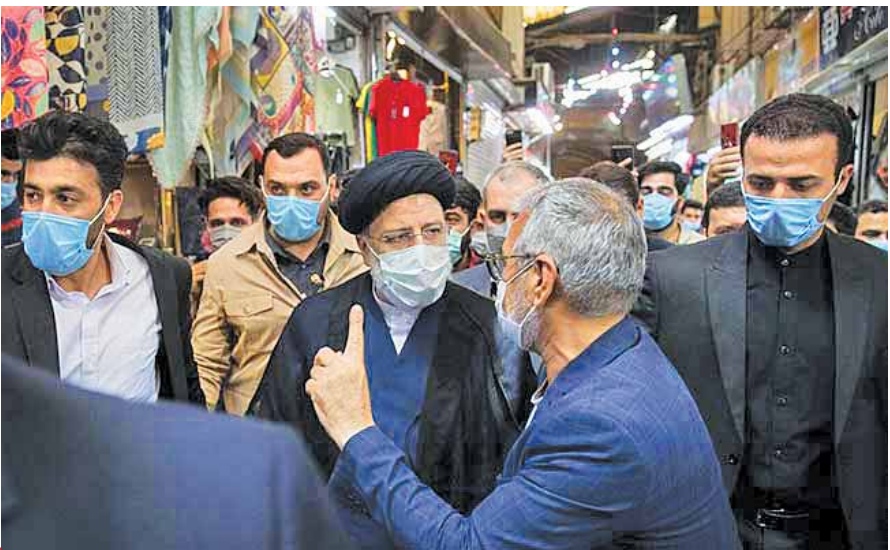
چون توئیتر و اینستاگرام و تلگرام و... در ایران، نوعی رویکرد متمرکز، یکجانبه و بالا به پایین در باب انتشار اطلاعات وجود داشت و مردم به روایت‌های نهادهای اجرائی و رسانه حاکم در کشور یعنی صداوسیما کفایت می‌کردند و مخاطبان برای دانستن جزئیات هر پدیده اجتماعی و سیاسی و... باید به انتظار رسانه ملی و گزارش‌های تصویری تلویزیونی می‌ماندند؛ اما پس از گسترش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در کشور، نوعی انفجار اطلاعاتی رخ داد. این سرعت بالا در اطلاع‌رسانی باعث شد تا فضای مجازی به قیپی جدی برای رسانه ملی تبدیل شود. لذا رویه سابق حاکمیت متمرکز رسانه‌ای به حاکمیت رسانه‌های مختلف در بستر اینترنت تبدیل شد.

درست روایت‌کردن کمک می‌کند تا بتوانند درست تصمیم بگیرند. اما پرسش قابل تأمل آن است که تا چه اندازه رسانه‌هایی وجود دارند که به این نیاز به‌طور اصولی پاسخ دهند؟ نقش آفرینی نامطلوب رسانه‌های مغرض در وهله اول با هجمه علیه نظام جمهوری اسلامی و در وهله بعد با هجمه علیه دولت صورت می‌گیرد؛ آنچه در وضعیت کنونی هم شاهد آن هستیم و می‌بینیم که هر قدر مقامات رسمی دولت از رئیس‌جمهور گرفته تا معاونان و وزیران و مدیران در گفت‌وگو با رسانه‌های مرجع چهارچوب سیاست‌های اجرائی را مشخص و اخبار دروغ را تکذیب می‌کنند، باز هم رسانه‌های مغرض با شائبه آفرینی و دام‌ن‌زن به شایعات و اخبار نادرست، بخش‌هایی از جامعه را در پذیرش واقعیت‌هایی که به‌طور رسمی و بارها علنی اعلام می‌شوند، دچار چالش می‌کنند.

بازها از رسانه‌های رسمی و توسط مقامات دولتی اعلام شده که قیمت نان، دارو و بنزین هیچ تغییری نمی‌کند و مردم به شایعات توجه نکنند، اما باز هم بیشتر رسانه‌ها سعی در تحریف واقعیت‌ها دارند و با طرح مطالبی دروغین در قالب تحلیل و گزارش، ثبات جامعه را به هم می‌ریزند. روایت آفرینی از اخبار یکی از کار ویژه‌های برخی از رسانه‌های داخلی است که دست بر قضا در بیشتر مواقع با رسانه‌های معاند، دانسته یا نادانسته همراه می‌شوند. به ندرت می‌توان رسانه معاندی را پیدا کرد که از بررسی عناوین آخرین اخبار و مطالبش نتوان چهارچوب کلی سیاست‌های حاکم بر آن را تشخیص داد. نکته‌ای که در ارتباط با این رسانه‌ها قابل توجه است، آن است که ایجاد سردرگمی در جامعه نه تنها از پیامدهای سیاست‌های خبری شان است، بلکه جزو اهدافشان نیز به شمار می‌رود. خبرپرگانی و تولید انبوه خبر با هدف کاستن از اهمیت اخبار مهم و به پایین راندن آنها از صدر اخبار در اولویت به پایین فهرست، متأسفانه سیاستی است که بیشتر افراد جامعه با آن آشنا نیستند و به همین خاطر تحت تأثیر اخبار نادرست قرار می‌گیرند.

حاضر قابل مشاهده است آن است که تعداد زیادی از رسانه‌ها که هر کدام هم منافع خاصی را دنبال می‌کنند، باعث می‌شوند تا صدای رسانه‌های رسمی به گوش جامعه نرسد؛ در حالی که در اخبار روزانه بویژه اخبار اقتصادی مرتبط با سیاست‌های دولت، آنچه باید قابل استناد باشد، روایت رسمی حاکمیت و رسانه‌های رسمی است. باید دانست که پیروزی در جنگ روایت‌ها به معنای پیروزی در جنگ علیه تحریف است و پیروزی در جنگ تحریف یعنی پیروزی در جنگ تحريم و شکست دادن دشمن. شناخت درست و دقیق این جنگ و ابعاد و تطبیق آن در میدان و عرصه زندگی روزانه کمک زیادی به موضعگیری دقیق رفتارهای عقلانی و انقلابی می‌کند در واقع جنگ روایت‌ها قدرت تولید معنا و محتوا و تبیین آن در زمان مناسب است و جذاب و هنرمندانه است در این جنگ دشمن به انتشار هدفمند اخبار و گزارشات می‌پردازد، بخشی از اخبار یا گزارش را درست می‌نمایند مانند وضعیت باناسامان اقتصادی یا اطلاع‌رسانی به شهروندان، باید اخبار منتشره در رسانه‌های رسمی باشد. مخاطب باید بداند که رسانه‌های اجتماعی هر قدر هم که در نشر

درست است که رسانه‌های رسمی به تهنایی برای پوشش تمام رویدادهای کشور کافی نیستند و رسانه‌های غیررسمی بویژه رسانه‌های بومی و محلی هر منطقه نقش مهمی در افق‌افکار عمومی دارند، اما مبنای اطلاع‌رسانی به شهروندان، باید منتشره در رسانه‌های رسمی باشد. مخاطب باید بداند که رسانه‌های اجتماعی هر قدر هم که در نشر



عکس: نسیم

افراد باشد؛ نه ضرورتاً اخباری که واقعیت دارند. رسانه‌های اجتماعی مغمض از ناراضیاتی‌های عمومی ارتزاق کرده و روی آنها موج سواری می‌کنند. این‌گونه روایت‌های غیر واقعی شکل می‌گیرد و در نتیجه، این روایت‌های غیرواقعی خود واقعیت آفرینی می‌کنند؛ اما واقعیت‌هایی که مبنای واقعی نداشته‌اند و در حقیقت به انحراف کشیده شده‌اند.

اخبار موفق باشند و یا بازدیدکننده و دنبال‌کننده بالایی داشته باشند، باز هم از اعتبار اصلی برخوردار نیستند و تنها در همان جامعه محدود مخاطب محلی هر منطقه نقش مهمی در افق‌افکار عمومی دارند، اما مبنای اطلاع‌رسانی به شهروندان، باید منتشره در رسانه‌های رسمی باشد. مخاطب باید بداند که رسانه‌های اجتماعی هر قدر هم که در نشر

به مناسبت ۱۴ مه موسوم به روز «نکت»

## رژیم جعلی صهیونیستی چگونه شکل گرفت؟

اسماء فاخوری پژوهشگر

تاریخ ایجاد رژیم جعلی صهیونیستی که می‌توان آن را «تاریخ نکت» نامید، برخلاف ادعای صهیونیست‌ها و البته حامیان غربی آنها، نه طولانی است و نه ریشه‌ای دارد. صهیونیست‌ها از همان آغاز فعالیت‌های سیاسی خود در واپسین سال‌های قرن نوزدهم میلادی که به تشکیل کنگره «ببال» در سوئیس (سال ۱۸۹۷م) انجامید، از یک چالش عمده رنج می‌بردند؛ آنها فاقد پیشینه و اعتبار تاریخی لازم برای جلب نظر یهودیان جهان بودند.

استعماری در فلسطین تحت اشغال بریتانیا که اداره آن را «هربرت ساموئل»، یهودی انگلیسی و طرفدار تفکرات صهیونیستی برعهده داشت، تازه به فکر تاریخ‌سازی افتادند؛ موجی از جعل رویدادهای گذشته در میان نوشته‌های آنها به راه افتاد. کتاب «تاریخ صهیونیسم» که توسط ناحوم سوکولوف، یک صهیونیست لهستانی به رشته تحریر درآمد، تقریباً تمام شخصیت‌های تاریخ دین یهود را به نوعی صهیونیست معرفی می‌کرد؛ از یوشع نبی بگیرد تا موسی مونته‌فیوره در قرن نوزدهم و خاندان‌های کلیمی ساکن دمشق و بیت‌المقدس که قرن‌ها در کنار مسلمانان با صلح و آرامش زندگی کرده بودند. سوکولوف را باید یکی از نظریه‌پردازان «روز نکت» بدانیم. او نقشی کلیدی در صدور قرار بالفور داشت و حتی نام «تل آویو» را سوکولوف برای این شهرک صهیونیستی که بعدها مرکز فعالیت رژیم جعلی اسرائیل شد انتخاب کرد؛ هر چند او در سال ۱۹۳۶م مرد و شاهد تحقق «روز نکت» نشد.

اما اگر بخواهیم به دقت در مورد تشکیل رژیم صهیونیستی سخن بگویم باید به اندیشه‌های تئودور هرتسل رجوع کنیم. تئودور هرتسل در واقع پیامبر جدید یهودیان است. چرا اندیشه‌های تئودور هرتسل مهم است؟ چون وی تنها کسی بود که به عنوان یک

یهود یک مسأله سیاسی بین‌المللی است و باید در عرصه بین‌المللی و توسط کشورهای تمدن دنیا به صورت مشترک حل شود. سرانجام اندیشه‌های تئودور هرتسل منجر به نگاشت کتاب دولت یهود شد. هرتسل دولت یهود را در واپسین سال‌های قرن نوزدهم نوشت. در آن قرن و قرون ماقبل آن مجموعه تحولاتی رخ داد که منشأ بسیاری از تحولات قرن بیستم و بیست و یکم از جمله شکل‌گیری صهیونیسم سیاسی و بالطبع پیدایش رژیم صهیونیستی شد. این تحولات تأثیر متضادی بر موقعیت یهودیان داشت. از یکسو موجب تقویت جایگاه آنان در جوامع متنوع خود شد به گونه‌ای که اندیشه همگرایی با ادغام آنها در جوامع اروپایی شکل گرفت و از سوی دیگر تحولات مذکور به واکنش یهودیان منتهی شد و برخی تحولات و تفاسیر خاص روشنگران یهودی از جمله تئودور هرتسل از حوادث و وقایع آن مقطع به اندیشه تشکیل یک دولت مستقل یهودی انجامید. بنابراین در آن مقطع صهیونیسم وارد نقطه عطفی شد. ابتکار بزرگ تئودور هرتسل این بود که وی باعث شد اندیشه صهیونیسم از یک تئوری ذهنی به یک واقعیت عینی و انضمامی تبدیل شود. در واقع تئودور هرتسل از صهیونیسم مذهبی وارد صهیونیسم سیاسی شد.

تئودور هرتسل، نخستین نظریه‌پرداز آنها، چنان برای شکل دادن به تفکراتش دچار مشکل بود که ناچار به‌جای متون مقدس یهودی، دست به دامن دیدگاه‌های «مسیسبل روز»، از برجسته‌ترین سران استعمار انگلیس در قاره آفریقا شد. برای وی نامه نوشت و افکار خود را نه یک دیدگاه نژادی و دینی، بلکه یک تفکر «استعماری» معرفی کرد. به دیگر سخن، صهیونیست‌ها برای استعمار فلسطین پا به آن گذاشتند و آنچه به‌عنوان رؤیای کشور یهودی مطرح می‌کردند، فقط یک شوی تبلیغاتی بود.

آنها با یا گرفتن «آژانس یهود» و شروع تکاپوهای

فراخوان شناسایی سازندگان داخلی

شرکت مبین انرژی خلیج فارس واقع در منطقه انرژی پارس جنوبی (عسلویه) با هدف شناسایی و حمایت از سازندگان توانمند و دانش‌بنیان داخلی فعال در زمینه مهندسی معکوس و ساخت مبدل‌های حرارتی پوسته و لوله و کولرهای هوایی اقدام به چاپ این فراخوان نموده است. بر این اساس، درخواست می‌گردد؛ شرکت‌های واجد شرایط که دارای توانمندی فنی و تجهیزاتی کافی می‌باشند؛ رزومه و اطلاعات شرکت متبوع را از طریق ذیل ارسال نمایند.

مدت تاریخ ارسال مدارک ۱۵ روز از زمان انتشار آگهی می‌باشد.

آدرس پستی: استان بوشهر – منطقه ویژه انرژی پارس جنوبی (عسلویه) – شرکت مبین انرژی خلیج فارس – واحد مهندسی ساخت و خودکفایی – کدپستی ۷۵۱۱۸۹۴۸۷۶ sakht@mobinec.ir ایمیل: تلفن تماس: ۰۷۷۳۷۲۶۹۵۳۳۳

فراخوان شناسایی سازندگان داخلی

شرکت مبین انرژی خلیج فارس واقع در منطقه انرژی پارس جنوبی (عسلویه) با هدف شناسایی و حمایت از سازندگان توانمند و دانش‌بنیان داخلی فعال در زمینه مهندسی معکوس و ساخت قطعات کمپرسورهای سانتریفیوژ، اقدام به چاپ این فراخوان نموده است. بر این اساس، درخواست می‌گردد؛ شرکت‌های واجد شرایط که دارای توانمندی فنی و تجهیزاتی کافی می‌باشند؛ رزومه و اطلاعات شرکت متبوع را از طریق ذیل ارسال نمایند.

مدت تاریخ ارسال مدارک ۱۵ روز از زمان انتشار آگهی می‌باشد.

آدرس پستی: استان بوشهر – منطقه ویژه انرژی پارس جنوبی (عسلویه) – شرکت مبین انرژی خلیج فارس – واحد مهندسی ساخت و خودکفایی – کدپستی ۷۵۱۱۸۹۴۸۷۶ sakht@mobinec.ir ایمیل: تلفن تماس: ۰۷۷۳۷۲۶۹۵۳۳۳



عکس: نسیم

در روز نکت، فلسطینیان بیرون رانده شدند و دولت غسبی و جعلی اسرائیل تشکیل شد

یهودیان به سرزمین‌های فلسطین فراهم شد. سرانجام روندی که در سال ۱۸۹۷ در بازل سوئیس آغاز شده بود، در سال ۱۹۴۷ به تقسیم سرزمین فلسطین انجامید. اسرائیل در ۱۴ مه ۱۹۴۸ با اخراج فلسطینی‌ها و تصرف سرزمین آنها ایجاد شد و به این صورت وعده هرتسل تحقق یافت. دولت رژیم صهیونیستی بر مبنای مجموعه نهادهایی که نیم قرن منتهی به اشغال فلسطین، ایجاد شده بودند استوار شد و سازمان‌های نظامی – تئوریستی که مهاجران اولیه ایجاد کرده بودند، ارتش این رژیم را تشکیل دادند. دولت امریکا نیز به رغم برخی اختلاف‌نظرها تنها پس از چند دقیقه این رژیم را به رسمیت شناخت و دولت شوروی نیز که در عصر جنگ سرد به دو قطبی غیرمتعطف با امریکا به سر می‌برد رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخت.

کردم اگر فلسطین به یهودیان داده شود اعراب چه؟ وایزمن گفت: چه عری؟ آنها محلی از اعراب ندارند. «گلدایمر» در ژوئن ۱۹۶۹ ادعا کرد: فلسطین وجود ندارد این طور نیست تصور کنیم که یک فرد فلسطینی در فلسطین وجود داشته که خود را به عنوان یک خلق فلسطین تلقی می‌کردند و ما امیدیم آنها را بیرون کرده و کشورشان را گرفتیم. آنها اصلاً وجود ندارند. یکی از ایهامات بسیار مهم درباره مسأله فلسطین فروش زمین توسط عرب‌ها بود. در سال‌های اخیر این سؤال مطرح شده که اعراب آگاهانه و داوطلبانه زمین‌های خود را به صهیونیست‌ها فروختند و نباید ادعایی داشته باشند. در پاسخ به این مغالطه باید گفت: مالکیت اراضی فلسطین تا قبل از اشغال تقریباً به طور کامل در اختیار فلسطینی‌ها بود تا سال ۱۹۴۷ به سرزمین فلسطین تجزیه شد صهیونیست‌ها توانستند ۶/۵ درصد اراضی فلسطینی را خریداری کنند. اسناد اداره قیمومت انگلیس در این باره رقم کمتری را تأیید می‌کند. بر اساس اسناد این اداره تا سال ۱۹۴۶ یهودیان نوانسته بودند تنها ۵/۶ درصد زمین‌های فلسطینی‌ها را خریداری کنند. خرید زمین برای استقرار مهاجران صهیونیستی انجام شد تا مقدمات جمعیت ایجاد دولت مستقل یهودی فراهم شود. براساس دستورالعملی که هرتسل در کتاب دولت یهود ارائه کرده بود روند مهاجرت به سرزمین فلسطین آغاز شد و پس از اولین کنگره صهیونیست‌ها در شهر بازل، سازمان‌های صهیونیستی مهاجرت یهودیان به فلسطین را سازماندهی کردند.

نقش بازیگران بین‌المللی در شکل‌گیری رژیم صهیونیستی

بعد از رایزنی‌های بی‌حاصل هرتسل با سلطان عبدالحمید پادشاه عثمانی و ویلهلم دوم پادشاه آلمان، وی به دولت بریتانیا روی آورد. هرتسل با ژوزف چمبرلین مشاور دولت بریتانیا در امور مستعمرات ملاقات کرد. در اوج جنگ جهانی اول انگلیسی‌ها با صدور اعلامیه بالفور با تشکیل موطن و نه دولت یهودی در فلسطین موافقت کردند. بعد از فروپاشی عثمانی، انگلیسی‌ها پس از جنگ جهانی اول قیمومت فلسطین را عهده‌دار شدند و زمینه مهاجرت گسترده

نه‌تنها بنیانگذاران صهیونیسم سیاسی مروچین این ایده بودند بلکه بنیانگذاران رژیم صهیونیستی نیز به این ایده وفادار ماندند. آلبرت انیشتین می‌گوید من از حمیم وایزمن (رئیس سازمان جهانی صهیونیسم و اولین رئیس جمهور رژیم صهیونیستی) سؤال